

گذار به تمدن نوین اسلامی از طریق تاب آور سازی جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده

تقی پارسامهر*

بژوهشگر آینده پژوهی و علوم اجتماعی در پژوهشکده
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

امروزه جامعه ایرانی انواع مخاطرات، تنش‌ها، حتی بحران‌های کم‌سابقه‌ای را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... تجربه کرده است. چنین به نظر می‌رسد که باگذشت زمان، مخاطرات و بحران‌های تازه‌تری ظهور می‌کنند و ثبات و پایداری جوامع را در معرض فروپاشی قرار می‌دهند. یعنی در جهان آینده گویا هیچ جامعه و تمدنی نمی‌تواند در برج و بارویی دور از غرش شوک‌ها و ضربات سهمگین عدم قطعیت‌ها، آسوده و آرام باشد. شاید بتوان در ارتباط با تمدن اسلامی آینده، چهار حوزه تمدنی شامل ایران، عربستان سعودی، مصر، و ترکیه را به‌عنوان پیشران‌های مهم تمدنی در نظر گرفت. یعنی این چهار حوزه بیش از دیگران، ادعای تمدنی دارند. در این میان، ایران اسلامی، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند، توانسته حکومت و دولت اسلامی تشکیل دهد، و درصدد شکل‌دهی به امتداد این کلیت اسلامی، یعنی پی‌ریزی جامعه و اعتلای تمدن اسلامی است. به نظر می‌رسد که توفیق در امر پی‌ریزی جامعه و تمدن اسلامی در برقراری نسبت مطلوب تمدن با پایداری جامعه در افق بلندمدت است، چراکه تمدن امری بلندمدت است.

تاب آور سازی، رویکردی است انضمامی با توجه به واقعیت شرایط جامعه ایرانی، برای ریل‌گذاری جامعه اسلامی ایرانی به‌سوی ایجاد جامعه پایدار. تاب‌آوری واسطه‌ای است برای گذار به جامعه پایداری، و جامعه پایدار زمینه‌سازی آینده تمدنی است در قالب ظهور یا تقویت تمدن اسلامی که ظهور آن قبلاً رخ داده است. و حالا باید اعتلاء یابد. خط‌مشی‌های تاب‌آورسازی جامعه ایرانی اسلامی را به سمت مراقبت از قابلیت‌های راهبردی در مواجهه با عدم قطعیت‌های آینده و بازیابی سریع پس از تأثیرگذاری شوک‌ها و مخاطرات راهبردی، سوق می‌دهد. حفظ قابلیت‌های راهبردی در فراز و فرود عدم قطعیت‌ها، زمینه را برای پایداری و ظهور تمدن نوین آماده می‌سازد از این دیدگاه، لوازم تمدنی امری ضروری و حیاتی است، چراکه هیچ تمدنی از هیچ آغاز نمی‌شود، بلکه تمدن‌ها به قابلیت‌های انباشته‌شده و تاریخی خود متکی هستند. بر فراز این انباشتگی تاریخی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها، امکان رویش‌های نوین میسر می‌شود. مفروض اساسی این تحقیق این است که تمدن نوین از آسمان انتزاع و خلأ نازل نخواهد شد، بلکه تمدن نوین آینده در فراگردهای تاریخی و اجتماعی جامعه به تکوین و ظهور می‌رسد. بنابراین با افزایش تاب‌آوری جامعه ایرانی و غلبه بر عدم قطعیت‌های آینده، از طریق واکنش و بازیابی مناسب، قابلیت‌های امکانی را برای پایداری بلندمدت، و سپس ظهور تمدن نوین یا اعتلای آن را، مهیا می‌سازد. در این تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه با نخبگان استفاده شده است. یافته‌های این مقاله می‌تواند مورد استفاده آینده پردازان تمدنی، و خط‌مشی‌اندیشان کلان قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شوک‌های آینده، واکنش و بازیابی، خط‌مشی‌های انطباقی، تاب‌آوری جامعه، پایدارسازی بلندمدت، تکوین تمدنی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۹

* (نویسنده مسئول: parsamehrvision@gmail.com)

مقدمه

باید توجه داشت که تمدن‌ها پدیده‌هایی اجتماعی و تاریخ‌مند هستند، و نه حاصل صرف کنشگری و اراده توهّم‌آمیز و انتزاعی به‌دوراز شرایط انضمامی اجتماعی، و نه، به‌مثابه تأسیس یک کالا و بنای فیزیکی و... بلکه، هر تمدنی در بستر منابع تکوینی خود امکان ظهور و پدیداری پیدا می‌کند (پارسامهر و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴).

جامعه ایرانی اسلامی که انقلاب اسلامی را در جهان یک‌جانبه‌گرا مدرنیته به پیروزی رساند، و یکی از مدعیان جدی، و بلکه مهم‌ترین مدعی تمدن نوین اسلامی بشمار می‌رود، از نظر مهیاسازی لوازم تمدنی، و از دیدگاه تقرب انضمامی به تمدن نوین، در چه وضعیتی بسر می‌برد؟

به عبارت دیگر آیا همان‌گونه که انقلاب اسلامی، و حکومت اسلامی در سیر تاریخی خود در شرایط مقتضی ظهور کرد، جامعه پایدار و بلندمدت ایرانی و اسلامی و در امتداد آن تمدن نوین هم ظهور خواهد کرد یا نه؟ بر اساس ارزیابی چه شاخص‌ها و نشانگرهایی می‌توان درباره تقرب و یا دور شدن از تمدن نوین قضاوت کرد؟

در طول تاریخ، تمدن اسلامی همواره در صعود و نزول بوده است، اما هیچ‌گاه دچار توقف کامل و نابودی نشده است (خزایی و عیوضی، ۱۳۹۶، ص ۷). چنین به نظر می‌رسد که تمدن اسلامی از نوعی ظرفیت انعطاف‌پذیری برخوردار بوده، که در مواجهه با بحران‌های تمدن برافکن، توانسته مجدداً به حالت تعادلی بازگشت داشته باشد.

جوامع اسلامی از جمله جامعه ایرانی اسلامی در برابر شوک‌های طبیعی و انسانی - اجتماعی شگرفی قرار داشته‌اند. امروز جوامع اسلامی از جمله جامعه ایرانی با افزایش عدم قطعیت‌های آینده و آسیب‌پذیری ناشی از شوک‌های بیرونی و غافل‌گیری‌های درونی متعددی مواجه است. در حقیقت زیرساخت‌های تمدنی و اجتماعی جامعه ایرانی در آینده نیز شاید بیشتر از گذشته، چالش ضربات هولناک محیطی از قبیل بحران‌های طبیعی^۱ مثل تغییرات اقلیمی، بلایای طبیعی و بحران‌های انسانی و اجتماعی^۲ از قبیل تروریزم، مناقشات منطقه‌ای، شورش‌های اجتماعی، بحران‌های مالی و اقتصادی، و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی مواجه خواهد شد. گویا هیچ جامعه نمی‌تواند از شوک‌ها بنیان برافکن، مخاطرات راهبردی، و عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده اجتناب ورزد.

1 . Disaster

2 . crisis

شواهد تاریخی نشان می‌دهند که جوامع اسلامی به‌طور بالقوه دارای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای در مقابل حوادث و بحران‌ها بوده‌اند، و در طول تاریخ با تکیه بر این قابلیت‌های درونی خود توانسته‌اند حیات خود را در صحنه تاریخ تمدن استمرار بخشند. امروزه بالفعل سازی و شکوفایی این نوع از قابلیت‌ها از ضروریات و نیازهای اساسی بشمار می‌رود.

مسئله اصلی این تحقیق این است، با توجه به این‌که مواجهه با مخاطرات ناشی از عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده اجتناب‌ناپذیر است، چگونه می‌توان؛ کنش‌گرانه، در جامعه اسلامی ایرانی ظرفیت‌های انطباق‌پذیری ایجاد کرد، تا با اتکا بر آن‌ها، پس از بحران و فاجعه، جامعه بتواند با سرعت به حالت تعادل اولیه، بلکه تعادل متعالی‌تر بازگردد. چراکه بالا بردن ظرفیت‌های تاب‌آوری جامعه امکان پی‌ریزی پایداری و ثبات بلندمدت را فراهم می‌سازد، و پایداری بلندمدت نیز زمینه را برای فرایند متمدن شدن فراهم می‌کند.

بنابراین سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از :

- چگونه می‌توان جامعه ایرانی اسلامی را تاب‌آور ساخت؟
- سؤالات فرعی این تحقیق عبارتست از :
- برای تاب آور سازی جامعه ایرانی، باید روی چه زیرسیستم‌هایی خط‌مشی‌های انطباقی اعمال گردد؟
- خط‌مشی‌های انطباقی در هر زیرسیستم کدامند؟

مروری بر تحقیقات پیشین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در رابطه با عنوان تحقیق (گذار به تمدن نوین اسلامی از طریق تاب آور سازی جامعه اسلامی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده) تاکنون هیچ تحقیقی یافت نگردید. در مدار تحقیقات پیشین، در زمینه . تاب آور سازی تحقیقاتی انجام شده است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یافته‌های تحقیق رابرت هال^۱ (۲۰۱۴) با عنوان "خط‌مشی‌گذاری انطباقی حکمرانی برای تاب‌آوری اجتماعی و توانمندسازی جامعه" به توصیف تغییرات اقلیمی و شوک‌های جهانی می‌پردازد، خط‌مشی‌گذاری منعطف به‌عنوان راه‌حل برای تاب‌آوری اجتماعی را مطرح می‌کند. در این تحقیق یک روش‌شناسی نه مرحله‌ای در قالب چرخه حکمرانی انطباق‌پذیر برای ساخت

1 . Robert Hall

تاب‌آوری اجتماعی ترسیم شده است. دغدغه اصلی این تحقیق پی‌ریزی سیستم‌های اکولوژیکی- اجتماعی تکامل یافته برای تاب‌آوری در مقابل شوک‌های جهانی ناشی از تغییرات اقلیمی است (Hall, 2014: 949-959).

یافته‌های تحقیق کویین برنر و همکاران (۲۰۱۴) با عنوان تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی دلالت بر این دارد که تاب‌آوری با برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌های مراقبت اجتماعی درآمیخته شده است. در این تحقیق ضمن تشریح اجتناب‌ناپذیر بودن برخورد با شوک‌ها، پی‌ریزی ظرفیت‌های انطباق پذیر را پاسخی نوآورانه به شوک‌های غیرقابل اجتناب عنوان می‌کند. در این تحقیق بر مشارکت‌های محلی برای پی‌ریزی سرمایه اجتماعی برای مقابل با ضربات طبیعی تأکید شده است (Bernier et al, 2014: 1-16).

یافته‌های تحقیقی الدریدج^۱ و می‌یر^۲ (۲۰۱۴) با عنوان "سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری جامعه" اشارت دارد که به‌رغم فراگیری فجایع مالی و اقتصادی، عمده پژوهش‌های تاب‌آوری بر حوادث فیزیکی و زیرساخت‌های فیزیکی تمرکز دارند و نسبت به تاب‌آوری در مقابل رخدادهای اقتصادی و مالی کمتر توجه داشته‌اند. این تحقیق نقش حیاتی سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در خصوص تاب‌آور سازی سازمان‌های دولتی و غیردولتی را برجسته می‌سازد. بنابراین دستورالعمل‌های سیاستی انضمامی برای بقاء و احیاء مجدد سازمان‌های دولتی و غیردولتی از طریق تقویت زیرساخت‌های اجتماعی در سطح جامعه مطرح می‌سازد (Aldrich & Meyey, 2014 : 1-16).

یافته‌های تحقیقی پیغامی و منصوری (۱۳۹۵) با عنوان "برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تاب‌آور و دلالت‌های راهبردی و اعتبار بخش یک مدل ترکیبی برای اقتصاد" بر تاب‌آوری اقتصاد در مقابل تنش‌ها و مخاطرات حوزه مالی و اقتصادی اشاره دارد. در این تحقیق یک مدل ترکیبی برای اعتباربخشی به اقتصاد تاب‌آور مطرح شده است (پیغامی و منصوری، ۱۳۹۵، ص ۵-۴۰).

گیلفاسون^۳ و همکارن (۲۰۱۰) برای تاب‌آور سازی اقتصاد در مقابل بحران‌های اقتصادی و مالی خط‌مشی‌هایی از قبیل اصلاح و تعدیل بازار، نظارت‌های کارآمد، تنظیم بازارهای مالی و خط‌مشی‌های تثبیت اقتصاد کلان را مطرح کرده‌اند (Gylfason et al, 2010: 11). در خط‌مشی‌گذاری‌های رفاهی

.....
1 . Aldrich
2 . Meyyer
3 . Gylfason

مفهوم تاب‌آوری مورد استقبال قرار گرفته شده است. هالگیت^۱ (۲۰۱۴) در تحقیق خود اشاره می‌کند که بحران‌ها و تنش‌های اقتصادی و مالی به‌واسطه اثرگذاری منفی بر دارایی‌ها، عوامل تولید، میزان اشتغال، نابودی معاش و درآمد، موجب کاهش مالیات‌ها و کاهش رفاه اجتماعی می‌شوند. بنابراین خط‌مشی‌های رفاهی باید از طریق تاب‌آوری مقاومت اقتصاد را در مقابل تنش‌ها بالا برند (Hallegatte, 2014:2).

با مرور تحقیقات پیشین در سطح بین‌المللی و ملی، معلوم می‌شود که این تحقیقات در ارتباط با مفهوم "تاب‌آوری" بر عواملی مانند سرمایه اجتماعی، سرمایه‌های فیزیکی مثل اکولوژیکی، سرمایه‌های اقتصادی و مالی برای ایجاد ساختارهای تاب‌آور تأکید داشته‌اند، این عوامل در این تحقیق نیز پایه برای توصیه خط‌مشی‌های انطباقی قرار خواهد گرفت. اما این تحقیق مفهوم تاب‌آور سازی را در جامعه اسلامی ایرانی به‌منظور تقرب به تمدن نوین آینده برجسته کرده است. یعنی در این تحقیق تاب‌آوری در درون روایت اسلامی ایرانی و بومی و با جهت‌گیری تمدنی و بلندمدت مطرح شده است. در حقیقت پرداختن به این مفهوم در درون شرایط و امکان‌های انضمامی جامعه و جهت‌دهی تمدنی و آینده پردازانه به خط‌مشی‌های تاب‌آوری نقش و سهم این تحقیق را مشروعیت می‌بخشد.

چهارچوب نظری

۴-۱. بررسی مفهومی تاب‌آوری

تاب‌آوری معادل انگلیسی Resilience، در فرهنگ‌های لغت به معنای خاصیت کشسانی، بازگشت‌پذیری و ارتجاع، قابلیت ارتجاع، فنریت، جهندگی، برگشت‌پذیری، بهبودپذیری، انعطاف‌پذیری و ترمیم‌پذیری معنا شده است.

تاب‌آوری قبل از هر چیزی ریشه در سیستم‌های طبیعی و اکولوژیکی دارد. بر این اساس تاب‌آوری یعنی توانایی یک سیستم اکولوژیکی برای تحمل آشوب‌ها و بقاء آن سیستم در درون آشوب‌ها با حفظ رژیم تعادلی خود (Holling, 1973: 1-23). این مفهوم بعدها وارد علوم اجتماعی گردید و تاب‌آوری به‌مثابه امکان رفت‌وبرگشت بین حالت‌ها تعریف شد (Brok et al, 2002: 273). یک سیستم تاب‌آور کسب‌وکار سیستمی است که می‌تواند در برابر شوک‌های بازار بدون از دست

1 . Hallegatte

دادن ظرفیت‌های تخصیص کارآی منابع از یک حالت به حالت دیگر رفت و برگشت کند بدون این‌که ظرفیت منابع خود را از دست دهد (Perring, 2006: 418). مفهوم تاب‌آوری در تلفیق با مفهوم نهادگرایی (Noth, 1996)، به مثابه سیستم‌های اجتماعی تعریف می‌شود، که قادر است در مقابل شوک‌های محیطی یا بازار تاب بیاورد بدون این‌که ظرفیت‌های تخصیص کارآی منابع آن‌ها از دست برود (Berkes & Folk, 2002). یکی از عناصری که با مفهوم تاب‌آوری درآمیخته است، ظرفیت انطباق‌پذیری^۱ یا چرخه انطباق‌پذیری^۲ است. در سیستم‌های تاب‌آور یک چرخه انطباق‌پذیری وجود دارد. این چرخه امکان پویایی را برای اکوسیستم‌های پیچیده در مقابل آشوب و اختلال‌ها فراهم می‌سازد (Holling, 1986). مطالعات تاب‌آوری از سیستم‌های اکولوژیکی آغاز شده، سپس ابعاد اجتماعی به خود گرفته است. امروزه سیستم‌های تاب‌آور به عنوان سیستم‌های اکولوژیکی-اجتماعی^۳ مطرح می‌شوند (Berkes & Folke, 1998). امروزه در خصوص دیدگاه‌های مربوط به سیستم‌های تاب‌آور یک نوع تعادل و توازن از نظر پرداختن به منابع طبیعی و پرداختن به سیستم‌های اجتماعی در تحلیل‌ها وارد شده است (Anderies et al, 2004, Ostrom, 2009).

تحول مفهوم تاب‌آوری این دلالت برای خط‌مشی‌گذاران اجتماعی دارد که برای مواجهه با پیچیدگی‌ها، و تاب‌آوری سازی جامعه در مقابل عدم قطعیت‌ها هم باید بر منابع فیزیکی (ذخایر طبیعی ...) و هم باید بر منابع اجتماعی به صورت متوازن پرداخته، و در این دو حوزه خط‌مشی‌های انطباقی را در دستور کار قرار دهند.

۲-۴. بررسی مفهومی تمدن

تمدن امری تاریخی و اجتماعی است که در بستر مناسب تکوینی، امکان ظهور، بالندگی، یافته و یا در حیات خویش با فرود و مرگ و سکون مواجه می‌شود. ظهور و افول، میرایی و زندگی، اعتلا و رکود خصلت‌های برجسته تمدنی است، که اندیشه‌ورزان و آینده پردازانه تمدنی را به تکاپو و جنبش وادار می‌کند. از نظر این خلدون تمدن با اجتماع انسانی مترادف است (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ص ۵۷). از دیدگاه ویل دورانت تمدن عبارتست از یک بستر نظم اجتماعی، که بر اساس این نظم اجتماعی فعالیت‌های فرهنگی امکان ظهور پیدا می‌کنند (دورانت، ۱۳۷۸، ص ۱۰۳). هانتینگتون تمدن را یک

1 . Adaptive capacity

2 . Adaptive cycle

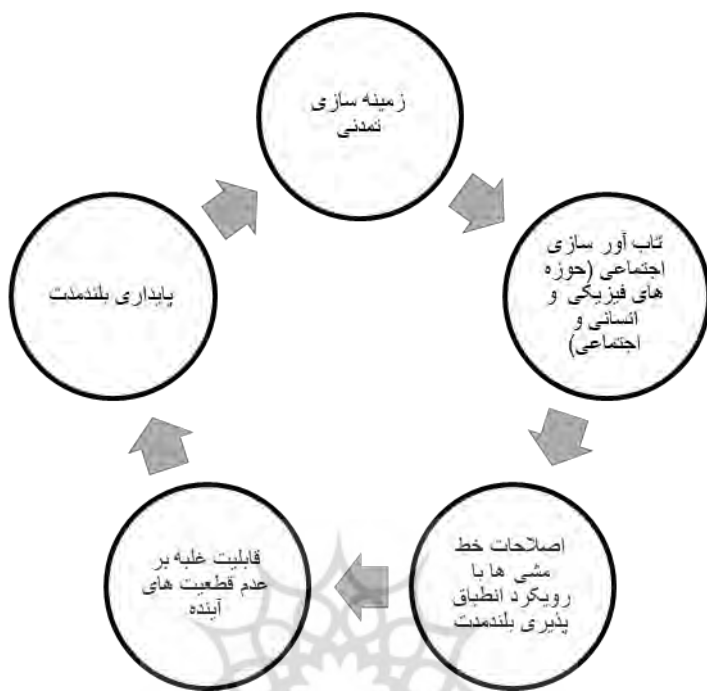
3 . Social-Ecological Systems (SESS)

وجود فرهنگی تلقی می کند (هانینگتون، ۱۳۷۸، ص ۴۴). از منظر هر سکویس، تمدن عبارتست از مجموعه ای از دانش ها، هنرها، فنون، آداب و رسوم مبتنی بر نهاد های اجتماعی، بر اساس پیشران های اختراعات فناوری و فعالیت های فردی و گروهی در سیر تاریخی، تکامل و توسعه می یابد (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۴۹). از نظر لوکاس، تمدن یک پدیده ی درهم پیچیده و درهم تنیده ای است از رخدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و هنری، ادبیاتی (لوکاس، ۱۳۶۶، ص ۱۶). شریعتی تمدن را به مجموعه ای از ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی تعبیر می کند (شریعتی، ۱۳۵۹: ۵). توین بی تمدن را حاصل کنش عاملیت نوآوران و نبوغ طبقه ممتاز جامعه تلقی می کند، از نظر او این اقلیت نخبه و طبقه ممتاز است که تمدن را پدید می آورند (توین بی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴). از نظر علامه جعفری شکل گیری تمدن ریشه در عوامل متعددی دارد، اما عدالت و کرامت انسانی مهم ترین نیروی اصلی حفظ و پایدار سازی تمدن بشمار می رود، و عدالت و کرامت انسانی هم در اعتراف و تصدیق حقانیت الهی است، در غیر این صورت سقوط تمدن حتمی و قطعی است (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۴۶).

از نظر نگارنده مقاله، تمدن امری تأسیسی نیست، بلکه امری تاریخی - اجتماعی و تکوینی است که در بستر مناسب اجتماعی و در سیر تاریخی خود در شرایط مقتضی و به صورت طبیعی ظهور می کند، البته این دیدگاه به معنای خنثی بودن سوژه نیست، بلکه سوژه (مانند دولتها و سازمان ها، افراد و گروه ها و...) در کنار سایر عوامل شناخته شده و ناشناخته امکان ظهور یا افول تمدن را ممکن می سازند. بر این اساس، کلان خط مشی ها و کلان راهبردها شرایط را برای ظهور و تکوین آماده می سازند و نه تأسیس آن. خلاصه از نظر محقق، تمدن امری تکوینی است و نه تأسیسی.

۳-۴. ارتباط تاب آوری اجتماعی با تمدن نوین آینده از طریق مفهوم پایداری بلندمدت

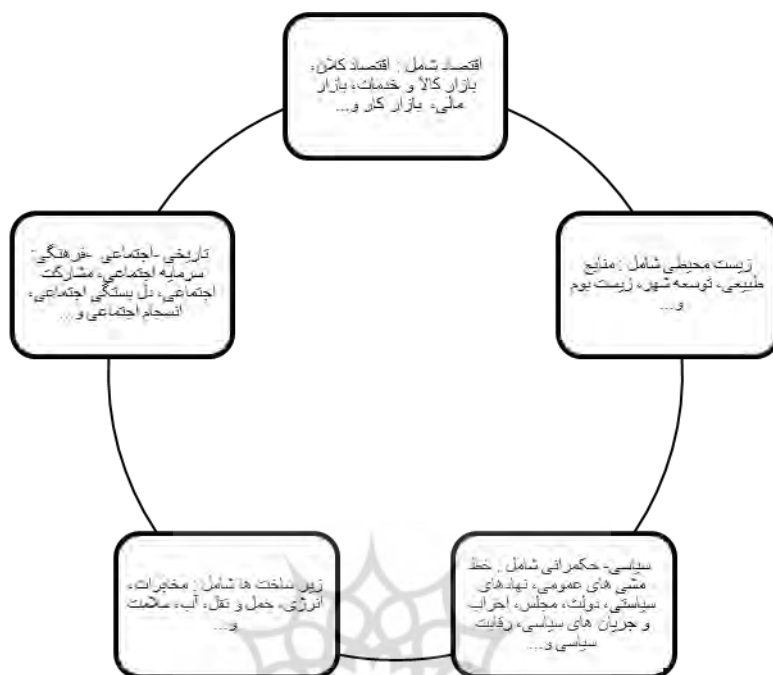
باید توجه داشت که خط مشی های تاب آور سازی اجتماعی با فشارها و ضربات داخلی و خارجی، و نحوه تاب آور سازی جامعه در مقابل شوک های بیرونی سروکار دارند. یعنی تاب آوری اجتماعی به طور مستقیم با اعتلا یا ظهور تمدن ارتباطی ندارند، بلکه از طریق یک مفهوم واسطه ای به نام پایداری سازی یا پابرجاسازی جامعه، زمینه را برای ظهور و یا اعتلای تمدنی مهیا می کند. به طور کلی پی آمدهای تاب آور سازی اجتماعی در حوزه های اکولوژیکی - اجتماعی پی ریزی جامعه ایرانی بلندمدت و باثبات است. وقتی که جامعه پایدار و بلندمدت پی ریزی شد، منابع تکوین اجتماعی و تاریخی بستر را برای تقویت، اعتلا، و یا ظهور تمدن نوین در آینده فراهم می سازند.



شکل ۱. رابطه تاب آور سازی اجتماعی با تمدن نوین از طریق مفهوم واسطه

۴-۴. زیرسیستم های کلیدی برای تاب آور ساز جامعه ایرانی

در این بخش براساس ادبیات حوزه تاب آوری، مطالعه تئوریک و انجام مصاحبه با نخبگان، پنج زیرسیستم اصلی برای تاب آوری سازی جامعه ایرانی به منظور پایداری بلندمدت و زمینه سازی برای تمدن، در نظر گرفته شده است. در پاسخ به این پرسش که چه چیزی یک جامعه را به مثابه یک سیستم کلان تاب آور می سازد، باید به این نکته تأمل کرد که برخلاف سازه های فنی (مثل بناها و پل ها و...) سیستم جامعه پیچیده تر از آن است که بتوان با محاسبات کمی، تنش های آینده را پیش بینی کرد، لذا با تکیه با تفکر سیستمی مؤلفه های کلان و کلی از منظر بازایی مورد توجه قرار گرفته شده است. نکته کلیدی این است، اگرچه برای ساده سازی بحث، زیرسیستم های سیستم جامعه از هم تفکیک شده اند، اما در واقعیت اجتماعی، این زیرسیستم ها از هم مستقل نبوده، بلکه در یک فراگرد تعامل و ارتباط متقابل همدیگر را تحت تأثیر قرار می دهند.



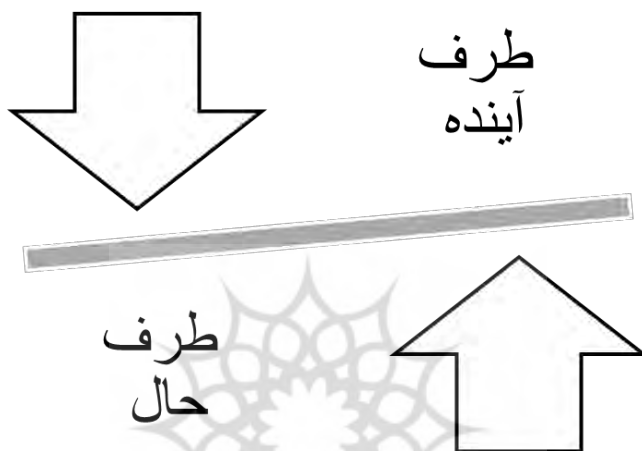
شکل ۲. چرخه‌ی انطباق‌پذیری خط‌مشی‌ها برای تاب آور سازی جامعه ایرانی

۴-۵. منطق انطباق‌پذیری خط‌مشی‌ها با رویکرد تاب آور سازی

منظور از انطباق‌پذیری خط‌مشی‌های حوزه‌هایی کلیدی این است که بین ذی‌نفعان کوتاه‌مدت و ذی‌نفعان بلندمدت نوعی تعادل و توازن ایجاد شود. به عبارت دیگر بین خروجی‌های کوتاه‌مدت و پیامدها و اثرات بلندمدت خط‌مشی‌ها در حوزه‌های کلیدی انتخاب شده، که ممکن است به وضعیت جدلی‌الطرفینی رسیده باشند، تناسب ایجاد شود.

تعادل بخشی به وضعیت‌های جدلی‌الطرفینی امر آسانی نیست، به ویژه وقتی که خط‌مشی گذار بخواهد با رویکرد بلندمدت، سیاست‌ها را به نفع طرف آینده و به زیان طرف کوتاه‌مدت اصلاح کند. در اینجا نوعی تقوای سیاسی، و جهاد با نفس در مقیاس جمعی و اجتماعی لازم است تا خط‌مشی گذار بتواند اقدام به اخذ خط‌مشی‌های دشوار کند. همان‌گونه که در شاکله فردی بین جنود نفس عجول و شتاب‌زده، و جنود عقل دوراندیش جنگی تمام‌نشدنی در جریان است، در شاکله‌های جمعی (اجتماع، کشور، دولت، و...) این جنگ شدیدتر، اما پیچیده‌تر در جریان است. تعادل بخشی بین حال

و آینده، مستلزم پذیرش حقوق دیگران (نسل آینده و...)، عنداللزوم گذشتن از انتفاع لحظه‌ای برای مصالح بلندمدت، داشتن صبوری و استقامت، ابتکار عمل و خلاقیت، تعامل‌پذیری و ارزش‌آفرینی است. تعادل بخشی قابلیت تاب‌آوری جامعه را در مقابل عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده افزایش می‌دهد، امکان پایداری را مهیا می‌سازد.



شکل ۳. منطق اصلاح و انطباق خط‌مشی‌ها برای ایجاد تاب‌آوری

۵. روش تحقیق

در تحقیق حاضر، جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی، و فن مصاحبه، و انجام مصاحبه عمیق و تخصصی از کارشناسان و متخصصان تاب‌آوری، خط‌مشی‌گذاری عمومی، اقتصاد، و جامعه‌شناسی استفاده شده است. از میان روش‌های نمونه‌گیری، با توجه به اهداف پژوهش، نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شده است. در نمونه‌گیری قضاوتی، واحدهای نمونه با توجه به ذهنیت پژوهشگر انتخاب می‌شوند، پژوهشگر تلاش می‌کند نمونه‌هایی که معرف جمعیت باشد را گزینش کند. در این تحقیق، فراگرد مصاحبه تا مرحله اشباع نظری پیگیری شده است. اشباع نظری معیاری است برای تعیین نمونه‌ها که بر مبنای آن پژوهشگر تا حد اشباع مصاحبه‌ها را انجام داده است. اشباع سطح و حدی است که پاسخ به سؤال‌های عمده پژوهش اشباع شده و داده‌های جدیدی در فراگرد جمع‌آوری اطلاعات داده دیگر ایجاد نمی‌شود. در نگارش این مقاله با انجام ۱۰ مصاحبه با متخصصین حوزه‌های تاب‌آوری، خط‌مشی پژوهشی، اقتصاد، و جامعه‌شناسی، اشباع نظری حاصل

شد. به نحوی مصاحبه با تخصصان این حوزه ها آنقدر استمرار یافت که دیگر پاسخ های جدیدی در فراگرد مصاحبه به دست نیامد و پاسخ ها به حالت تکرار در آمد و فراگرد مصاحبه به پایان رسید. در جدول زیر مشخصات مصاحبه شوندگان آمده است .

جدول ۱. مشخصات مصاحبه شوندگان

ردیف	مصاحبه شوندگان	تعداد	مدرک تحصیلی
			کارشناسی ارشد
			دکتری
۱	سیستم دینامیک	۱	
۲	روان شناسی عمومی	۱	
۳	علوم شناختی	۱	
۴	روان شناسی بالینی	۱	
۵	خط مشی گذاری	۲	
۶	اقتصاد و اقتصاد مقاومتی	۲	
۷	جامعه شناسی	۲	

با توجه به حوزه های تخصصی، پرسش های هر حوزه تخصصی به صورت مجزا تدوین گردید. در مراحل بعدی به صورت تشریحی از نحوه ارتباط تاب آوری با پایداری، و تمدن پرسش شد. از همه مصاحبه شوندگان درباره خط مشی های انطباق پذیر در راستای ارتقاء تاب آوری برای غلبه بر عدم قطعیت ها، پایدارسازی، و زمینه سازی اعتلا یا ظهور تمدن نوین، پرسش گردید.

۶. یافته های تحقیق

۶-۱. زیرسیستم زیرساخت ها

۶-۱-۱. حوزه نفت

مطابق مصاحبه با نخبگان، یکی از مخاطره های راهبردی که ممکن است پایداری جامعه ایرانی را در افق زمانی آینده در معرض آسیب پذیری جدی قرار دهد، بحث نفت است. در تاریخ معاصر، نفت یکی از مباحث جدی اقتصاد سیاسی و میراث سیاسی ایران بوده است. عامل نفت تأثیر بنیادینی بر وضعیت کشورهای اسلامی و جامعه ایران در دوره جدید داشته است.

گذشته و حال جوامع اسلامی و ایران نفتی بوده، و آینده‌های آن‌ها نیز نفتی خواهد بود. اعمال خط‌مشی‌های انطباقی در حوزه نفت، باعث می‌شود تا اقتصاد نفتی متکی بر خام‌فروشی در یک فراگرد "تبدیل راهبردی" به اقتصادی نفتی مولد و ارزش‌آفرین تبدیل شود. در حقیقت اقتصاد نفتی خام‌فروشی موجب کاهش تاب‌آوری جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌ها و شوک‌های جهانی می‌شود، در نتیجه کاهش تاب‌آوری اجتماعی، پایداری و ثبات جامعه هم دچار آسیب جدی شده، و زمینه‌های بالندگی و یا ظهور تمدن نوین در افق زمانی آینده سلب خواهد شد. بنابراین باید در خصوص ممکن کردن "تبدیل راهبردی" خام‌فروشی به نفت مولد دلالت‌های سیاستی را مورد توجه قرار داد.

۱-۱-۱-۶. خط‌مشی انطباقی: ترویج گفتمان عدالت بین نسلی

اندیشه‌ورزی در خصوص نفت و معنابخشی به نفت با رویکرد عدالت بین نسلی از خط‌مشی‌های انطباقی است که فضای عمومی و خط‌مشی‌گذاری کلان را آماده می‌سازد تا باتوجه به بین نسلی بودن این منبع راهبردی از اتلاف و مصرف فراتر از حد آستانه آن جلوگیری شود و سهم طرف آینده مورد تعرض قرار نگیرد.

۱-۱-۲. خط‌مشی انرژی تاب‌آور

فراوانی^۱ یکی از ویژگی‌های انرژی تاب‌آور بشمار می‌رود. منظور از فراوانی، یعنی داشتن ظرفیت اضافی برای پشتیبانی در صورت بروز اختلال و شوک و حفظ کارکردهای محوری. سیستم انرژی تاب‌آور سیستمی است که به دلیل برخورداری از فراوانی منابع انرژی، و دسترسی به تنوع راه‌حل‌ها در صورت بروز بحران، از طریق ظرفیت‌های اضافی احتمال فروپاشی کاهش داده، و مانع از سرایت آشوب به سایر زیرسیستم‌ها می‌شود. مسئله انرژی از مصداق مسائل پیچیده و چندبعدی بشمار می‌رود که سیاست‌گذاری در خصوص آن مستلزم نگرش‌های تاب‌آوری و پایداری است. در بسیاری از کشورهای جهان، ذخایر استراتژیک، فناوری‌های صرفه‌جویی، و تنظیم و تعادل بخشی به حفظ و گسترش شبکه‌های خانگی در دستور کار کشورها قرار دارد، که البته این واکنش طبیعی است. در کشور ایران هم، مسئله انرژی موقعیت پیچیدگی و حساسیت نسبت به مسائل امنیتی منطقه را دارا است، اما به‌رغم این پیچیدگی‌ها، شواهد نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر بعد از انقلاب اسلامی،

1 . Redundancy

بانگیزه‌های خالص و خیرخواهی، و با احساس تکلیف دینی و ملی، دورترین مناطق کشور به شبکه‌های گازرسانی متصل شده‌اند، مناطقی که در گذشته به صورت سنتی و طبیعی تأمین انرژی می‌شدند حالا از امکانات خدادادی انرژی بهره‌مند می‌شوند. گویا انگیزه و عشق و حرارت خیرخواهی و دلسوز به مردم آن قدر قوی بوده است که لایه‌های پیچیده و پیامدهای سیاست توسعه انرژی ارزان در افق زمانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به حساسیت چند برابری انرژی برای ایران به دلیل انقلابی‌گری، و مقابله با استکبار جهانی، و چالش‌های پیچیده منطقه غرب آسیا، سیاست توسعه انرژی بدون توجه به الزامات منطقه، واکنشی غیرطبیعی به نظر می‌رسد.

خط‌مشی‌های ساده‌انگارانه حتی بانگیزه خیرخواهی (کوتاه‌مدت) موجب مصرف بی‌رویه منابع انرژی در کوتاه‌مدت و به خطر افتادن کشور در مواقع بروز آشفتگی‌ها و بحران‌ها خواهد شد. بنابراین به منظور پایدارسازی بلندمدت جامعه ایرانی، لازم است در راستای تاب‌مهندسی جامعه، بین‌گسترش بهره‌مندی جامعه از منابع انرژی، و حفظ زیرساخت‌های حیاتی و منابع اضافی برای پشتیبانی کشور تعادل یابی گردد. تاب‌آور سازی زیرساخت‌ها و منابع انرژی از ضروریات استحکام درونی جامعه ایرانی به‌منابا یکی از اصلی‌ترین پیشران‌های تمدن نوین محسوب می‌شود.

۶-۱-۱. توسعه شهری تاب آور

مطابق مصاحبه، یکی از مؤلفه‌هایی که ممکن است مخاطرات جدی از آن نشئت بگیرد و پایداری جامعه ایرانی را تهدید کند، بحث توسعه شهری است.

خط‌مشی‌های چگونگی توسعه شهری، یکی از مؤلفه‌هایی است که با پایداری اجتماعی ارتباط وثیقی دارد. یعنی در بستر توسعه پایدار شهری، امکان اعتلای تمدن نوین آینده فراهم می‌شود. در خط‌مشی توسعه شهری کاهنده تاب‌آوری، شهر با زمین و طبیعت هیچ پیوندی ندارد. در این خط‌مشی کوتاه‌مدت نگر، رشد شهر بر اثر درآمدهای مؤلفه خام فروشی مختل می‌شود. چراکه توسعه شهر با تزریق درآمدهای خام فروشی ناهمگون، غیرطبیعی، نامتوازن، و با شتاب و افسارگسیخته صورت می‌گیرد. در خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری با محوریت توسعه شهری، سازمانها و نهادهای عمومی، و شهرها، به جای توسعه بر اساس قابلیت‌های طبیعی-انسانی، در مطالبه‌گری کوتاه‌مدت، تلاش می‌کنند هر چه بیشتر درآمدهای خام فروشی به خود اختصاص دهند. در منطق خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری، شهر بر اساس ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی، و طبیعی و با مشارکت شهروندان از قبیل مالیات و

عوارض شهروندی و به صورت سیر تکاملی توسعه نمی‌یابد، بلکه از هوس‌های کوتاه‌مدت جریان‌های سیاسی و بدون هیچ‌گونه نسبتی و تناسبی با کالبد اولیه، و ناسازگار با زمینه‌های تاریخی، و فرهنگی، امنیتی و محیط‌زیست تحمیل می‌شود.

برای زمینه‌سازی بالندگی تمدن نوین، ضرورت دارد تا از خط‌مشی توسعه شهری مبتنی بر خام فروشی به سوی خط‌مشی توسعه شهری تاب آور حرکت کنیم تا امکان شهر پایدار فراهم شود. در منطق خط‌مشی‌های تاب آور شهری، هر شهری متناسب با کالبد اکولوژیکی، و در پیوند عمیق با زمین و زمان توسعه می‌یابد. توسعه شهری تدریجی و طبیعی و بر اثر مشارکت شهروندان است. توسعه در بستر مسیر تاریخی و فرهنگی شهر به مثابه یک کنش طبیعی به نیازهای شهر رخ می‌دهد. هر شهری از یک نقطه آغازین بلندمدت و پایدار مثل یک صنعت یا بازرگانی ژرف و پایدار شروع به توسعه می‌کند.

از خط‌مشی‌های انطباقی در حوزه توسعه شهری، تمایز بین توسعه شهری دولتی و توسعه شهری بازار آزاد است. به نظر می‌رسد که بهتر است در مناطق شهری توسعه‌یافته مثل کلان‌شهرها که نقاط موفقیت بازار آزاد بازار در توسعه شهری و مسکن بشمار می‌رود، دولت از ورود مستقیم و تصدی-گری خودداری کند، در مناطق قوت بازار دولت بهتر است با کنترل راهبردی نقش هدایت و خط‌مشی‌گذاری کلان را بر عهده بگیرد. اما در کشور، قابلیت‌های بالقوه‌ای وجود که اگر به شکوفایی برسند، نقش قابل توجهی در پایدارسازی بلندمدت دارند. توسعه مناطق بکر و تازه مثل سواحل مکران از جمله آن‌ها بشمار می‌روند. از آنجاکه توسعه شهر در مناطق بکر مثل مکران ممکن است در نقطه شکست بازار محسوب شود، یعنی بخش خصوصی و بازار علائق و منافی برای توسعه این مناطق نداشته باشند بنابراین بهتر است دولت در خصوص توسعه شهری فقط در نقاط شکست بازار مثل توسعه سواحل مکران به طور تمام‌عیار وارد شود. توسعه شهری و شهریت در مناطق بکر نوعی به جای توسعه حاشیه شهرهای کلان، نوعی ریل‌گذاری به سوی توسعه شهری پایدار است، و توسعه شهری پایدار زمینه را برای بالندگی تمدن فراهم می‌سازد. نکته کلیدی این است که خط‌مشی‌های توسعه شهر باید از مفهوم "حومه شهر" به سمت "دریا شهر" چرخش کند. یعنی دولت باید تمرکز خود را از توسعه و بزرگ کردن حومه شهرهای کلان که منابع شکل‌گیری بحران‌های کاهنده تاب‌آوری است، به سوی مناطق بکر و سواحل دست‌نخورده مانند مکران سوق دهد. تبدیل انطباقی راهبردی برای توسعه شهری تاب آور، حرکت از "حومه شهر" به "دریا شهر" است.

۳-۱-۶. حمل و نقل تاب آور

با توجه به مصاحبه با متخصصان، یکی از حلقه‌های مفقوده جامعه تاب آور، وجود حمل و نقل تاب آور است. تاکنون خط‌مشی حمل و نقل بین‌شهری در جامعه ایرانی عمدتاً حول اتوبان‌سازی و حمل و نقل جاده‌ای بوده است. یعنی دولت‌ها برای غلبه بر ترافیک با صرف سرمایه‌های زیادی اقدام به احداث اتوبان‌ها، و بزرگراه‌ها برای مهار ترافیک کرده‌اند. اگرچه اتخاذ این خط‌مشی حمل و نقلی در کوتاه‌مدت از بار ترافیک می‌کاهد، اما در بلندمدت، این خط‌مشی، تاب‌آوری جامعه را کاهش می‌دهد. چراکه خود همین اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها باعث مهاجرت، و واردات بیشتر خودرو و عرضه فراتر از تحمل جاده‌ها، تلفات انسانی سنگین جاده‌ای، آلودگی محیط‌زیست و تخریب منابع طبیعی به دلیل ازدیاد سفرها، افزایش مشاجرات و نزاع‌ها ناشی از فشار ترافیک، از بین رفتن بافت‌های سنتی و بومی به بهانه توسعه، اضمحلال منابع راهبردی بین نسلی انرژی مثل اتلاف بنزین و گاز و... می‌شود. خط‌مشی حمل و نقل جاده‌ای علاوه بر پی آمده‌ای بلندمدت، یک نوع گفتمان سبک زندگی و کنش شهروندی را بر می‌سازد. این گفتمان رفتارها و کنش‌های سفر را شکل داده و یک نوع چسبندگی و وابستگی هم ایجاد می‌کند. یعنی وقتی سبک زندگی و سفر مردم بر اساس حمل و نقل جاده‌ای پایه‌گذاری شود، گاهی، باوجود آگاهی مردم از نارسایی‌های این سبک سفر، به دلیل رسوب شدن این سبک در ذهن جمعی، همچنان ادامه می‌یابد.

خط‌مشی انطباقی برای تاب آور سازی جامعه به‌منظور پایداری‌سازی اجتماعی، شیف‌ت و یا تقویت حمل و نقل شهری از جاده‌ای به حمل و نقل ریلی است. حمل و نقل ریلی در مقایسه با جاده‌ای از نظر پایداری‌سازی اجتماع در بلندمدت ترجیح دارد چراکه ایمنی بیشتر، محیط‌زیست پاک‌تر، آرامش روانی بالاتر، صرفه‌جویی در انرژی بهتر صورت گرفته و با جامعه تاب آور، پایدار همسویی بیشتری دارد، و زمینه را برای اعتلای و یا ظهور تمدن بهتر فراهم می‌سازد. تبدیل انطباقی راهبردی برای تاب آور سازی حمل و نقل بین‌شهری، حرکت از مفهوم "جاده پایه" به "ریل پایه" است.

۴-۱-۶. اکوسیستم تاب آور

یکی از عوامل کلیدی پایداری بلندمدت جامعه ایرانی، وجود زیست محیط تاب‌مند است. به نظر می‌رسد که خط‌مشی‌های اتخاذ شده در خصوص مسئله آب، هوا، خاک، تنوع زیستی، پوشش گیاهی و... از تاب‌آور اثربخشی برخوردار نبوده و یا کاهنده تاب‌آوری بوده‌اند. در مورد خط‌مشی‌های مربوط

به آب، چنین بوده است که بر اثر توسعه ناگهانی توسعه عمران کشاورزی در دهه پنجاه چاه‌های فراوان مجاز و غیرمجاز فراتر از تحمل منابع آب، حفر گردید، و منابع آب آیندگان هم پیش‌خور شد. یکی از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری انتقال منابع آب از زیست‌بوم طبیعی و تاریخی خود بوده است. یعنی منابع آبی به صورت طبیعی و تاریخی متعلق به یک استان خاص بوده است، به بهانه‌هایی مانند اولویت آب شرب، از زیست‌بوم تاریخی و طبیعی خود جدا به یک استان دیگر منتقل شد. این نوع جابجایی‌های فاقد منطق، زمینه‌ساز "جنگ آب‌ها" بین استان‌ها و کاهش سرمایه اجتماعی و آسیب‌پذیری پایداری می‌گردد. یکی دیگر از خط‌مشی‌ها کاهنده تاب‌آوری اکوسیستم، گسترش راه‌ها و جاده‌ها حتی به مناطق کوهستانی و جنگلی بوده است که با ورود خودروها و سپس ویلاسازی، زمینه فروپاشی کیفیت خاک، و از بین رفتن پوشش گیاهی فراهم شده است. از آنجاکه تمدن نوین در بستر قابلیت‌های طبیعی و اکوسیستم امکان ظهور پیدا می‌کند، بنابراین باید با تدوین شاخص‌هایی مانند شاخص پوشش گیاهی، کیفیت خاک، و... از قابلیت‌های طبیعی بین نسلی بیشتر مراقبت کرد. تبدیل انطباقی راهبردی در ارتباط با منابع آب تاب‌آور و اکوسیستم تاب‌آور برای مواجهه با عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده، ابتدا نهادهای فرابخشی و بین نسلی در مقابل نهادهای بخشی تقویت شوند. نهادهای فرابخشی بر اساس همه‌ذی‌نفعان و طرف‌ها از جمله نسل آینده منابع حیاتی آب را توزیع می‌کند. یکی از خط‌مشی‌های انطباقی در تاب‌آور سازی منابع آب، این است که فضای سبز شهرها بر اساس واقعیت‌های بومی آن‌ها تنظیم شود. مثلاً اگر سرشت و ماهیت زیست‌بوم شهر تهران به گونه است که بارش در آن کم است، نباید توسعه پارک‌ها و فضای سبز آن با چمن‌های وارداتی پرمصرف کشورهای اروپایی صورت گیرد. چراکه این نوع چمن و گیاهان با مناطق پربارش تناسب دارد. یکی از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری این است که از منابع حیاتی و کمیاب آب، برای زیبایی کلان‌شهرها استفاده شود، یعنی گیاهان تزئینی پرمصرف وارد، و سپس با کاشت آن‌ها، الگوهای زیباشناسی مردم را به‌طور معیوب شکل می‌دهند. این نوع خط‌مشی‌ها به دلیل بیگانگی با واقعیت‌های زیست‌بوم، نوعی تله و دام برای نابودی منابع آب محسوب می‌شوند. چه کسی گفته است که زیبایی سنگ کمتر از چمن است؟! در کلان‌شهرهای کم‌بارش مثل تهران، باید زیبایی‌شناسی شهر با واقعیت‌های بومی آن مثل "سنگ" تنظیم کرد. باید سنگ را هنرمندانه معنابخشی کرد و از آن زیبایی شهری انکشاف کرد.

در توسعه پارک‌ها و فضای سبز شهری بدون توجه به اقتضانات بومی موجب می‌شود تا منابع

حیاتی آب از کشاورزی منحرف و به دام توسعه شهری معیوب افتاده، و تاب‌آوری جامعه ایرانی در مقابل عدم قطعیت‌های آینده کاهش خواهد یافت. از دیگر خط‌مشی‌های انطباقی این است که کشاورزی براساس اقتضائات بومی هر منطقه صورت گیرد. یعنی درختان و گیاهان پرمصرف مثل گیلاس در مناطق پربارش، و گیاهان و محصولات قانع و نجیب مثل سنجد، بادام، صورت گیرد. یعنی در مناطق کم آب کشاورزی بر اساس خط‌مشی محصولات نجیب و قانع (کم‌مصرف) صورت گیرد.

۶-۲. سیاسی - حکمرانی

خط‌مشی نحوه تعامل دولت و مردم از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر پایداری بلندمدت و زمینه‌سازی ظهور و یا افول تمدن آینده می‌تواند باشد. در خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری، تعامل دولت و مردم در افق زمانی کوتاه‌مدت رخ می‌دهد. یعنی مطالبات مردم از دولت و پاسخ به مطالبات مردم از سوی دولت فقط در بازه زمانی کوتاه‌مدت قابل تصور است. به عبارت دیگر، بین کنش مطالبه‌گری از سوی مردم به عنوان رأی‌دهنده، و کنش پاسخ به مطالبات مردم از سوی دولت به عنوان رأی‌گیرنده در کوتاه‌مدت باهم تلاقی می‌کنند. در این خط‌مشی، مطالبات رفاهی کوتاه‌مدت همواره درخواست می‌شود، و کنش دولتی هم برداشت از منابع بین نسلی و پیش‌خور کردن آینده است. حاصل چنین کنش مردمی و دولتی، کاهش تاب‌آوری و از بین رفتن استقامت در گردنه‌های دشوار گذار به آینده است. خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری در تعامل مردم و دولت، باعث می‌شود تا در درازمدت بارتکفل دولتی به دلیل انباشتگی بیش‌ازحد به حالت بحرانی برسد، در این میان سهم آیندگان از منابع بین نسلی به محاق رود. یعنی کشور در بلندمدت و در آینده فاقد قابلیت‌های راهبردی خواهند بود، چراکه قابلیت‌ها و منابع بین نسلی در کوتاه‌مدت پیش‌خور شده است.

برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی، و پی‌ریزی جامعه پایدار و بلندمدت، باید از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری در خصوص تعامل مردم و دولت به‌سوی خط‌مشی‌های افزاینده تاب‌آوری حرکت کرد. در خط‌مشی انطباقی تعامل دولت و مردم، رابطه دولت و مردم علاوه بر افق زمانی کوتاه‌مدت، در افق زمانی بلندمدت هم معنا پیدا می‌کند. مثلاً اگر دولتی در کوتاه‌مدت با استخدام‌های دولتی بی‌رویه بتواند در ظاهر خود را در مهار بیکاری موفق نشان دهد، پیامدها و تأثیرات این خط‌مشی در میان‌مدت و بلندمدت بر روی بزرگ شدن بخش دولتی و بحران‌های ناشی از بارتکفل دولتی هم

ارزیابی می‌شود. در خط‌مشی انطباقی رابطه مردم و دولت با رویکرد بلندمدت و پایداری جامعه اصلاح می‌شود.

در موقعیت شکنندگی، که نقطه مقابل تاب‌آوری است، دولت و مردم به‌صورت شکننده تجلی پیدا می‌کنند. در بستر دولت و مردم شکننده، دو اتفاق روی می‌دهد. اول، منابع بین نسلی که برای پایداری کشور در آینده بسیار موردنیاز اتلاف می‌شود، دوم قابلیت‌های پویا و پایدار و بلندمدت در جامعه امکان فعلیت نمی‌یابد. بنابراین از طریق خط‌مشی‌های انطباقی باید از دولت و مردم شکننده به‌سوی دولت و مردم تاب‌آور حرکت کرد. مراقبت از منابع و شکوفایی قابلیت‌ها ستون فقرات جامعه پایدار و بلندمدت بشمار می‌رود.

۱-۲-۶. اصلاح قواعد کسب قدرت سیاسی

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پایداری بلندمدت جامعه، نحوه رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی است. یکی از نقطه‌های اهرمی رقابت سیاسی، دوره‌های انتخابات است. در خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری، میدان بازی انتخابات به‌گونه‌ای است که احزاب و جریان‌های سیاسی ذائقه کوتاه‌مدت مردمی را تحریک، و ذائقه بلندمدت مبتنی بر پایداری را به حاشیه می‌رانند. در خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری، شور و شغف و انگیزه مشارکت در انتخابات صرفاً از طریق وعده‌های زود هنگام ایجاد می‌شود. خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری، استقامت، و شکیبایی را از مردم می‌ستاند و کم‌حوصلگی، عمل زدگی، ساده‌انگاری مسائل پیچیده، و ترویج راه‌حل‌های دم‌دستی و زودبازده فراگیر می‌کند. در بستر خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری که کوتاه‌مدت هستند، روش‌هایی مشروعیت و مقبولیت عمومی پیدا می‌کند که هزینه‌های امروز جامعه را به آینده پرتاب کرده، و به‌مرور نادیده گرفتن آینده باعث شکل‌گیری ابرچالش می‌شود.

برای تقرب به تمدن نوین، لازم است تا از خط‌مشی‌های کاهنده تاب‌آوری در حوزه رقابت سیاسی به‌سوی خط‌مشی‌های انطباقی پذیر با پایداری بلندمدت حرکت کرد. برای تاب‌آور سازی رقابت سیاسی، "اصلاح میدان رقابت سیاسی" به‌ویژه اصلاح "میدان انتخابات جمهوری اسلامی" ضرورت دارد. به‌منظور اصلاح میدان بازی انتخابات، شاید ایجاد "یک نهاد عالی فرا جناحی" و یا ترتیبات جدید نهادی، با رویکرد عدالت بین نسلی و پایدارسازی جامعه موردنیاز باشد. این نهاد بین نسلی فرا جناحی می‌تواند امکان رقابت سیاسی را در میدان انتخابات تحت قواعد جدید به‌سوی

پایداری سوق دهد. این نهاد آینده‌پژوهان می‌تواند متشکل از نخبگان دانشگاهی، مسئولین عالی، و نمایندگان پخته و دارای نگرش‌های بلندمدت و جامع و... باشد. رسالت اصلی این نهاد در دوره انتخابات، بسترسازی فضای انتخابات برای گفت‌وگوی‌های عمیق و سازنده و جلوگیری از هیجانات و التهابات مخرب و مهار تشدید انتظارات و وعده‌های بدون پشتوانه است. وظیفه دیگر این نهاد آینده‌پژوهانه، جلوگیری از انتقال هزینه‌های زمان حال به آینده و ممانعت از انباشت بحران‌ها در آینده است. یکی دیگر از کارهای این نهاد فرانسلی، ارزیابی جریان‌ها و کنشگران سیاسی نه فقط در یک نقطه بلکه در طی یک فرایند است. وظیفه دیگر این نهاد، ارزیابی کنش گران سیاسی و نه فقط در یک نقطه زمانی، بلکه ارزیابی تأثیرات در افق زمانی میان‌مدت و بلندمدت است. رسالت دیگر این نهاد، آگاه‌سازی مردم نسبت به سناریوهای فاجعه‌ای که کنشگران کوتاه‌مدت با تشدید و تحریک وعده‌ها و اضمحلال منابع بین نسلی به بار می‌آورند، است. این نهاد بازی انتخابات در ایران را از میدان صرفاً کوتاه‌مدت به میدان متعادل بین کوتاه‌مدت- بلندمدت تبدیل می‌کند.

۲-۲-۶. حافظه نهادی سیاستی بلندمدت

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تاب‌آوری و پایداری بلندمدت، وجود یا فقدان حافظه نهادی بلندمدت در سیستم حکمرانی است. ایجاد حافظه نهادی بلندمدت در درون سیستم حکمرانی باعث می‌شود، تا تجربه‌های متفاوت از پیروزی‌ها و شکست‌های در دوره‌های گوناگون تاریخی، حالت انباشتگی پیدا کرده، و دانشی بلندمدت شکل گیرد و این دانش بلندمدت بین احزاب و دولت‌ها و جریان‌های سیاسی به اشتراک گذاشته شود. حافظه نهادی بلندمدت با تسهیل دسترسی به تجربه انباشته و دانش بلندمدت، انطباق‌پذیری حکمرانی را با عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده را ظرفیت‌سازی می‌کند. حافظه نهادی بلندمدت علاوه بر دانش بلندمدت مشترک، زمینه را برای خلق روایت ملی و کلان فراهم می‌کند. ظهور روایت و داستان ملی ظرفیت انسجام و تاب‌آوری ملی را در مقابل مخاطرات ناشناخته آینده ارتقاء می‌دهد. بنابراین یکی از اصلاحات مهم سیستم حکمرانی- سیاسی، قابلیت‌سازی حافظه نهادی بلندمدت است.

۳-۲-۶. حکمرانی چند سطحی

برای تاب‌مندسازی و پایداری بلندمدت، لازم است تا حکمرانی و سیاست‌گذاری در چند سطح و لایه انجام شود.

۶-۲-۳-۱. حکمرانی در سطح بازایی

در صورتی که شوک‌ها و مخاطرات کشور را تحت تأثیر قرار دهد، کسب‌وکارها، معیشت عمومی، به‌شدت آسیب می‌پذیرد. در این صورت باید حکمرانی برای بازایی و برگشت سیستم‌ها به حالت عادی اقداماتی را به‌صورت ضربتی و فوری انجام دهد. این اقدامات می‌توانند شامل مراقبت از حداقل سطح معیشت عمومی از طریق توزیع کالاهای اساسی، مقابله با احتکار و سفته‌بازی، تمرکز بر شریان‌های حیاتی، حمایت از تولیدکنندگان و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده، تقویت ظرفیت‌های خودجوش و امدادی مردمی و... باشد.

۶-۲-۳-۲. حکمرانی در سطح تاب‌مند سازی

در این سطح، حکمرانی باید بنیان‌های یک جامعه تاب‌مند و پایدار را مورد توجه قرار دهد. یعنی ساختارهای و نهادهای کشور با هدف پایدارسازی بلندمدت مورد اصلاح قرار گیرند. از آنجاکه به لحاظ تاریخی، همواره دو چرخه معیوب شامل وابستگی به خام‌فروشی، و بحرانی شدن بارتکفل دولتی همواره ظرفیت تاب‌مندی جامعه ایرانی در معرض مخاطره و آسیب‌پذیری قرار داده است، بنابراین در سطح تاب‌مند سازی، حکمرانی باید با نگاه به کاهش وابستگی به خام‌فروشی و مهار بارتکفل دولتی اصلاح شود. در ذیل حکمرانی تاب‌مندی می‌توان مواردی در نظر گرفت مانند:

- منطقی کردن استخدام‌های دولتی بر اساس مأموریت‌های حکمرانی در حوزه‌هایی که بازار آزاد امکان مسئولیت‌پذیری در آن حوزه را ندارد.
- منطقی کردن نظام تأمین اجتماعی و مهار بار تکفل
- کاهش وابستگی تدریجی برخی از ظرفیت‌ها به بودجه عمومی، مانند واگذاری ظرفیت‌های خدماتی از قبیل بیمارستان، مدارس و... به بازار
- مشارکت دولت و بخش خصوصی در برخی موارد
- فعال‌سازی ظرفیت‌های نهادی غیررسمی برای ارائه خدمات عمومی

۶-۲-۴. حکمرانی مشارکتی

از آنجاکه مخاطرات و شوک‌های ناشی از عدم قطعیت آینده در زمان حال ناشناخته است، بنابراین "تاب‌آوری از بالا به پایین" ممکن است کفایت و اثربخشی لازم را نداشته باشد، در شرایطی مخاطرات آینده مبهم و پیچیده و ناشناخته باشند، بهتر است "تاب‌آوری از پایین به بالا" هم

- موردتوجه قرار گیرد. در تاب‌آوری از پایین به بالا، تلاش می‌شود جامعه از همه ظرفیت و منابع خود با ویژگی‌های متنوع به صورت انطباقی بهره‌مند شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود:
- دیالوگ‌های اجتماعی بین حکمرانی و گروه‌ها، مناطق، اقوام، به‌ویژه گروه‌های در حاشیه مانده و خاموش به‌طور مستمر انجام شود.
 - ظرفیت‌های جدیدی ائتلافی متشکل از اقوام، زنان، جوانان، و... در سطح مناطق، شهرها، روستاها، و حتی محلات موردتوجه قرار گیرد.
 - بین حاکمیت و ظرفیت‌های قومی، منطقه‌ای، جامعه مدنی و... تعامل و هماهنگی‌های مستمر جریان پیدا کند.
 - برای شکوفایی ظرفیت‌های خفته و یا در حاشیه مانده، نگاه‌های چند فرهنگی در دستور کارهای حکمرانی وارد و جریان یابد.

۳-۶. اقتصاد

بر اساس مصاحبه‌ها، زیرسیستم اقتصاد از حوزه‌های مهم و اصلی است که باید تاب آور شود. در غیر این صورت، یعنی ناتاب‌آوری اقتصاد، پایداری بلندمدت دچار آسیب جدی خواهد شد. زیرسیستم اقتصاد یکی از عوامل مؤثر پایداری بلندمدت است. در این زیر بخش، بازیگران و نهادهای کلیدی مانند بخش دولتی، بخش خصوصی و... ایفای نقش می‌کنند، پیچیدگی تاب‌آور سازی این زیرسیستم ایجاد تعادل بین ذی‌نفعان زمان حال و آینده از نظر توزیع یا حفظ منابع بین نسلی، و همچنین تنظیم بازی آن‌ها است.

۳-۶-۱. بخش دولتی و بخش مردمی تاب آور

یکی از مباحث مهم تناسب بین اقتصاد بخش دولتی و بخش مردمی (خصوصی) است. در اقتصاد ایران برای مدت‌های طولانی، تحت تأثیر گفتمان‌های متمایل به چپ، بار اصلی اقتصادی بر دوش بخش دولتی و منابع عمومی بوده است. در دوره تسلط گفتمان اقتصاد متمرکز متمایل به چپ، به دلیل فقدان امکان‌های رشد سرمایه‌گذاری مردمی، پیش‌خور کردن منابع بین نسلی آغاز گردید، و با بحرانی شدن باز تکفل دولتی، وابستگی اقتصاد به نفت، حمایتی شدن هویت‌های اقتصادی و... زمینه برای ناپایدارسازی در افق زمانی آینده فراهم گردید. در واکنش به این رویکرد رادیکال چپ‌گرای انقلابی، در برهه‌ای دیگر، یک جریان راست‌گرای افراطی تحت عنوان خصوصی‌سازی در کشور

شیوع پیدا کرد. به دلیل فقدان الزامات این رویکرد مثل نبود بخش خصوصی حرفه‌ای، نبود بازار رقابتی، نبود مدیریت حرفه‌ای، و... این حرکت هم به بیراهه رفت. خصوصی‌سازی در این دوره گاهی با اهداف حمایتی و توزیعی، و گاهی با کسب درآمد برای دولت، و... انجام گرفت. در نتیجه، سازمان‌هایی با حالت خاکستری ظهور کردند. این سازمان‌ها در هنگام دریافت بودجه و امتیازات دولتی بودند، اما در هنگام پاسخ‌گویی خود را بخش خصوصی تلقی می‌کردند. این‌گونه فضای خاکستری و عدم شفافیت زمینه برای فساد و ناپایداری‌سازی جامعه فراهم کرد.

وقتی اقتصاد تاب آور می‌شود که هم دولت و هم بخش خصوصی هر دو قوی باشند. یعنی تضعیف یکی منجر به تقویت دیگری نخواهد شد. نمی‌توان در کنار یک دولت ضعیف و ورشکسته بخش خصوصی قوی داشت. چراکه بخش خصوصی و دولتی هر دو اجزا یک کلیت اقتصاد ملی هستند.

خط‌مشی انطباقی این است که هم دولت و هم بخش خصوصی هر دو تاب آور شوند. در این شرایط که بخش خصوصی فعلاً فاقد الزامات انضمامی است، می‌توان از مفهوم "اقتصاد رویشی" استفاده کرد. یعنی عاملان و کارگزارانی که در درون دولت به توانمندی حرفه‌ای رسیده‌اند، در بیرون از بخش دولتی، به‌عنوان مکمل و امتداد اقتصاد ملی عمل می‌کنند. بخش اقتصاد رویشی در مدیریت و کارآمدی بر اساس منطق اقتصادی و بنگاهی عمل می‌کنند، اما از نظر راهبردی کلان در راستای منافع ملی، تحت قواعد بازی خط‌مشی‌های کلان اقتصادی دولت عمل می‌کنند.

۶-۳-۲. بخش بانکی پولی تاب آور

یکی از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری و پایداری بلندمدت، نحوه فعالیت بخش بانکی و پولی کشور است. در صورتی که بخش بانکی و پولی کشور نقش رقیب را برای اقتصاد بازی کند، تاب‌آوری اقتصادی و پایداری کشور دچار اختلال خواهد شد. یعنی ورود بخش بانکی و پولی به عرصه رقابت با سایر بخش‌ها از مصادیق بارز خط‌مشی کاهنده تاب‌آوری است. چراکه به دلیل دسترسی به منابع مالی، اولاً باعث افول بخش‌های تولیدی خواهد شد، و سپس با تشدید سفته‌بازی و سوداگری، موجب انحراف سرمایه‌گذاری‌ها در دلالتی‌های با سودهای کوتاه‌مدت خواهد گردید.

خط‌مشی تاب‌آورساز بخش پولی و بانکی این است که این بخش در خدمت سایر بخش‌های اقتصادی مثل تولید قرار گیرد. در این حالت با تجهیز منابع و تأمین سرمایه بخش‌های رزش‌آفرین

اقتصاد ملی، زمینه پایدارسازی بلندمدت پی‌ریزی می‌شود.

۶-۳-۳. واردات و صادرات تاب آور

وابستگی به صادرات یکی از عوامل تأثیرگذار بر تاب‌آوری و پایداری بلندمدت است. در اقتصاد ایران، افزایش وابستگی به خام‌فروشی از عوامل اساسی و اصلی کاهش تاب‌آوری اقتصادی در مقابل شوک‌های بیرونی و درونی است. در گذشته معمولاً خط‌مشی‌های در جهت تأمین مطالبات در کوتاه‌مدت، دارای تأثیرات وابستگی‌های تهدیدزا به بیگانگان بوده است. خط‌مشی انطباقی تدوین شاخص‌های کاهش وابستگی به صادرات خام‌فروشی و ارزیابی دولت‌ها و نهادهای سیاست‌گذار با این شاخص است.

متغیر وابستگی به واردات راهبردی نیز از عوامل اصلی تأثیرگذار بر تاب‌آوری اقتصادی و پایداری بلندمدت است. وقتی که اقتصاد یک کشور به واردات راهبردی از قبیل انرژی، مواد غذایی، دارو، و کالاهای اساسی که برای حیات و معیشت عمومی ضروری محسوب می‌شوند، وابسته شوند، در حقیقت به‌طور آشکار در معرض آسیب‌پذیری و ناتاب‌آوری است. اگر اقتصاد کشور به واردات راهبردی مثل کالاهای اساسی خارجی وابسته شود، این خط‌مشی کشور را در مواقع شوک‌های ناشی از تحریم یا کاهش درآمدهای نفتی آسیب‌پذیر می‌کند. بنابراین خط‌مشی تاب آور ساز عبارتست از تدوین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری وابستگی به واردات راهبردی و کاهش ضریب این وابستگی‌های تهدیدزا.

خط‌مشی دیگر تاب آور سازی می‌تواند تدوین شاخص‌هایی برای تغییر نسبت بین صادرات و واردات باشد، یعنی صادرات تهدیدزا مثل خام‌فروشی و واردت تهدیدزا کاهش، و صادرات ارزش‌آفرین افزایش یابد. برای افزایش تاب‌آوری زیرسیستم اقتصادی می‌توان خط‌مشی‌های تنوع در محصولات و مقاصد صادراتی را در دستور کار قرار داد.

۶-۳-۴. سیاست مالی تاب آور ساز

یکی از مؤلفه‌های مهمی که زیرسیستم اقتصاد را در مقابل شوک‌های ناشی از عدم قطعیت‌های آینده تاب‌مند می‌سازد، عبارتست از سیاست مالی تاب‌آور ساز. مطابق این خط‌مشی انطباقی، باید شاخص‌هایی درباره نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی (کسری بودجه دولتی)، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، و تناسب بین خدمات عمومی و مالیات‌های دریافتی تدوین کرد.

اگر خدمات عمومی رفاهی با مالیات‌های دریافتی نسبت منطقی پیدا نکنند، وابستگی به خام فروشی و افزایش تعهدات بدون پشتوانه دولت، زمینه را برای آسیب‌پذیری اقتصاد از شوک‌های بیرونی و درونی فراهم می‌سازد. در راستای تاب‌آوری، باید بین خدمات رفاهی و مالیات‌های دریافتی نسبت عقلانی برقرار شود تا زمینه تاب‌مندی مهیا گردد.

۶-۳-۵. ظرفیت‌های بازیابی پس از شوک‌های اقتصادی

در یک اقتصاد تاب‌آور که زمینه‌ساز پایداری بلندمدت است، باید ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بازیابی ایجاد شود. قابلیت‌های بازیابی، نوعی توانایی بازگشت اقتصاد به وضعیت تعادلی جدید حتی قوی‌تر از تعادل اولیه است. باید یک نکته مهم را یادآوری کرد، که در اقتصاد ایران، دو حلقه‌ی وابستگی به خام فروشی، و حلقه‌ی بازتکفل دولتی، امکان قابلیت سازی بازیابی را سلب می‌کند. یعنی به دلیل این چرخه‌های تشدید شونده معیوب، از قبل تعهدات بدون پشتوانه بسیاری ایجاد شده است که دولت امکان ایجاد انعطاف و خط‌مشی‌گذاری انطباقی را پیدا نمی‌کند. بهر حال در این بخش دلالت‌هایی برای بازیابی پس از شوک مطرح می‌شود.

- استفاده از خط‌مشی ضمانت‌ها و صندوق‌های ضمانت. وقتی که شوک‌های اقتصادی، کسب‌وکارها را در مخاطره نابودی قرار می‌دهد، دولت می‌تواند از طریق صندوق‌های ضمانت، بیمه، و... کسب‌وکارها را پوشش ریسک قرار دهد. تا آن‌ها با اطمینان به فعالیت خود مجدد بازگشت کنند.
- معافیت‌های مالیاتی، گمرکی و... وقتی که کسب‌وکارهای اقتصادی از شوک‌های بنیان برافکن تأثیر می‌پذیرند، دولت می‌تواند برای بازگشت آن‌ها به تعادل، با خط‌مشی معافیت‌های مالیاتی و گمرکی اقدام به بازیابی کسب‌وکارها ورزد.
- کاهش بوروکراسی. وقتی که کسب‌وکارهای تحت تأثیر شوک‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، دولت می‌تواند با حذف بوروکراسی شرایط عادی و متعارف، امکان انعطاف‌پذیری و سرعت را برای کسب‌وکارها فراهم سازد.
- ماژولاریتی. حالت بخش‌بخشی^۱ کردن و عایق‌بندی زیرسیستم‌های حیاتی مثل بانک، حمل‌ونقل و... از قبیل خط‌مشی انطباقی با شوک‌های اقتصادی بشمار می‌رود. وقتی که یک سیستم به صورت

1 . Modularity

ماژولاریتی طراحی می‌شود، اگر شوک‌ها، یکی از زیرسیستم‌ها را دچار اختلال کند، اختلال در داخل همان زیرسیستم جذب شده، و به سایر بخش‌ها و به کلیت سیستم سرایت نمی‌کند. مثلاً اگر در صنعت فولاد یک شوک وارد شود، در همان‌جا جذب شده، و وارد سیستم صنعت خودروسازی، حمل‌ونقل جاده‌ای، و ریل نمی‌شود.

۴-۶. تاریخی-اجتماعی و فرهنگی

زیرسیستم اجتماعی از جمله زیرسیستم‌های مهم و تأثیرگذار بر تاب‌آوری جامعه، و پایداری بلندمدت است. اگرچه ممکن است برخی از ابعاد و لایه‌های اجتماعی نامشهود و پنهان باشند، اما این زیرسیستم در تاب‌آوری جامعه و پایداری و ثبات بلندمدت نقش حیاتی بر عهده دارد. در اینجا مؤلفه‌های حوزه تاریخی اجتماعی و فرهنگی که زمینه‌ساز پایداری بلندمدت بشمار می‌روند، مورد بحث قرار می‌گیرند.

۴-۶-۱. زمینه‌های تاریخی تاب‌آوری

همان‌گونه که تمدن امری تاریخی است و در فراگرد تاریخی خود به تکوین می‌رسد، تاب‌آوری اجتماعی نیز ریشه در عناصر و عوامل تاریخی دارند. یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم مرتبط با تاب‌آوری اجتماعی یک کشور، وابستگی به مسیر است. در توضیح مفهوم وابستگی به مسیر تاب‌آوری اجتماعی می‌توان گفت، وقتی که جوامع با عدم اطمینان‌های فراگیر ناشی از فجایع و بحران مواجهه می‌شوند، آن‌ها تلاش می‌کنند از طریق یادگیری‌های زبانی- فرهنگی، و محیط فیزیکی و... بر ترس و عدم اطمینان خود غلبه کنند. در حقیقت این کنش‌ها و واکنش به بحران‌ها و فجایع به تدریج تبدیل به مدل‌های ذهنی جمعی و اجتماعی شده، و تثبیت می‌شوند. سپس این مدل‌های ذهنی تثبیت شده تبدیل به باورهای تاریخی- اجتماعی، در مراحل دیگر باورها تبدیل به نهادها و میراث تاریخی شده، و برکنش‌های آینده در مقابل فجایع و بحران‌ها تأثیر می‌گذارند. بنابراین نحوه کنش و واکنش جوامع در مقابل عدم قطعیت‌های آینده تحت تأثیر قدرت و نفوذ ذهنیت مشترک تاریخی قرار می‌گیرد. مفهوم وابستگی به مسیر قابلیت خوبی برای تبیین متفاوت بودن عادت‌واره‌های جوامع در قبل، حین، و پس از بروز فجایع و بحران‌ها را دارند. نکته قابل تأمل این است که قابلیت‌های تاریخی جوامع در مواجهه با فجایع و بحران‌ها، امری ایستا و ثابت نیستند، بلکه ممکن است افزایش و یا کاهش یابند. وقتی که

در سال ۱۹۹۵ در کوبه ژاپن زلزله رخ داد، از نظر بسیاری از صاحب‌نظران، مهم‌ترین عامل بازسازی و احیا مناطق آسیب‌دیده، نوع روابط و پیوندهای اجتماعی مردم ژاپن در مناطق آسیب‌دیده بود. بررسی‌ها نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی (روابط و پیوندهای اجتماعی) در میان ساکنین مناطق آسیب‌دیده پس از فاجعه افزایش یافته، و پیوندهای اجتماعی عمق و انسجام بیشتری پیدا کرد. یعنی قابلیت‌های تاریخی کنشگران را در جهت خاصی سوق می‌دهد و زمینه را برای نوع خاصی از کنش، و واکنش عاملان فراهم می‌سازد، و از سوی دیگر، نحوه کنش‌ها مجدداً قابلیت تاریخی را تحکیم کرده و افزایش می‌دهد.

یکی از اضلاع مهم تاب‌آوری جامعه در مقابل عدم قطعیت‌های آینده، حفظ، و تحکیم قابلیت‌های تاریخی تاب‌آوری و انتقال آن به نسل‌های آینده است.

۶-۴-۲. باورها، اعتقادات تاب‌آور

یکی از عوامل کلیدی مؤثر در مواجهه با فجایع و بحران‌ها در قبل از، حین بحران، و پس از بحران، باورها و اعتقادات است. یعنی این‌که در جامعه وابسته به این‌که درباره فاجعه، بحران، مسائل پسا بحران، مانند همکاری و همبستگی، مراقبت از دیگران و... چه نوع باورهای بنیادین وجود دارد، در بازگشت سریع جامعه به حالت تعادلی نقش مهمی دارند. نوع نگاه انسان به جهان، خدا، سایر انسان‌ها، حیات پس از مرگ، رعایت حقوق دیگران تأثیر مستقیمی بر تاب‌آوری دارد.

اما نکته قابل‌تأمل و پیچیده‌تر این است که ممکن است در یک جامعه به‌طور رسمی اعتقادات و باورهایی ناب وجود داشته باشند، اما آن جامعه از تاب‌آوری نسبت به یک جامعه دیگر با باورهای تراز پایین‌تر، از تاب‌آوری کمتری برخوردار باشد!

برخی از جوامع مثل ژاپن و آلمان پس از تجربه فجایع بزرگ مانند جنگ جهانی، و یا زلزله‌های مهیب، زودتر از سایر به حالت تعادلی خود برگشتند، در حالی شاید باورها و اعتقادات این کشورها نسبت به دیگران هیچ‌گونه رجحانی نداشته است. مسئله از پیچیدگی برخوردار است و نیاز به تأمل دارد. و نمی‌توان بین اعتقادات صرف و دور از زندگی واقعی مردم و تاب‌آوری یک ارتباط ساده مکانیکی برقرار کرد.

به‌عنوان مثال در قرآن کریم، سوره‌هایی وجود دارند که بر قوام و استحکام، دلالت دارند و مؤمنان را به تاب‌آوری و استقامت دعوت می‌کنند. فاستقم کما امرت و من تاب معک و لاتطغوا انه بما

تعملون(هود، ۱۱۲). با نگاهی به روایات و کلام معصومین علیهم‌السلام می‌توان دعوت مردم به باورها و اعتقادات ناب معطوف به تاب‌آوری سازی استخراج کرد. اما پیچیدگی امر در این است به‌رغم وجود اعتقادات و باورهای ناب در لایه اعتقادی، ممکن است در سطح انتزاع و اعتقادی حبس شوند و وارد کنش‌های میدانی و زندگی اجتماعی نگردند. نکته مهم این است که باورهای ناب و متعالی گاهی به دلایل مختلف از قبیل غلبه گفتمان کوتاه‌مدت نگر بر جامعه و افتادن کنش‌گران در تله تشدید انتظارات کوتاه‌مدت، هیچ‌گاه به مقصد خود که تاب‌آوری سازی اجتماعی است، نمی‌رسند. یعنی نمی‌توان بحث تاب‌آوری را صرفاً به وجود باورهای ناب در سطح اعتقاد نسبت داده و دچار ساده‌انگاری شد. باورها وقتی می‌توانند تاب‌آوری را افزایش دهند، که از برج‌های ذهنی و انتزاعی خارج شده و در میدان کنش اجتماعی وارد شوند. همسویی و تناسب انگاره‌های خط‌مشی‌گذاری با باورها و اعتقادات ارزشی با رویکرد تاب آور سازی اجتماعی از اولویت‌های کشور بشمار می‌رود. در بیان کلی می‌توان گفت، که به‌رغم وجود باورهای اصیل و نجات‌بخش دینی، شیب بندی تاریخی مناسبات در شاکله جامعه ایرانی به زیان پایداری بلندمدت و تاب‌آوری بوده است. به همین دلیل، باید با فهم تازه، زبان نو، و آشناندایی^۱ زدایی از باورهای دینی، و روایات، زمینه را برای پی‌ریزی جامعه تاب آور فراهم ساخت. بنابراین رسالت خط‌مشی‌گذاری انطباقی نسبت به باورهای بنیادین، ابتدا فهم عمیق‌تر و درک موقعیت انضمامی جامعه، و سپس آشناندایی از باورها، و در ادامه دست‌یابی به چهارچوب‌های مرجع اعتقادی برای تاب‌آوری سازی اجتماعی است.

۶-۴-۳. سبک زندگی

سبک زندگی به‌مثابه کنش‌های سازمان‌یافته که متأثر از تاریخ، باورها، رخدادها و ... می‌شوند و در مرحله بعدی خود ممکن است بر باورها، تاریخ، و ... تأثیر بگذارند، عامل دیگری است که بر تاب‌آوری اجتماعی مؤثر است. سبک زندگی ممکن است در یک جامعه حول ارزشمند بودن، مجاهدت، جهادی بودن باشد، و در جامعه دیگری حول فرار از مسئولیت، و پرتاب کردن معضلات و مشکلات خود به زمین دیگری باشد. در سبک زندگی که توأم با نوعی بلندمایه‌گی است، مردم، خط‌مشی‌گذاران نسبت به دیگران (از جمله آینده) دارای حساسیت هستند، پیامدهای تصمیمات و اقدامات خود در افق زمانی مراقبت می‌کنند، اما در سبک زندگی فرومایگی، همان‌گونه که یک

شهروند فرومایه، زیاله‌های خود را بدون حساسیت در منطقه مشاء و عمومی پرتاب می‌کند، و ساده‌لوحانه آسوده‌خیال می‌شود، خط‌مشی‌گذاران آن‌هم، با خط‌مشی‌ها لحظه‌ای، مسائل و معضلات در حوزه‌های عمومی سرازیر می‌کنند، و حوزه‌های عمومی را دچار انباشت بحران می‌کنند، و یا این‌که معضلات کنونی را به دور زمانی (آینده) پرتاب می‌کنند.

بدیهی است که سبک زندگی فرومایه و لحظه‌ای قابلیت‌های تاب‌آوری را به اضمحلال می‌کشاند، و سبک زندگی بلندمایه و مؤمنانه قابلیت تاب‌آوری را بالا می‌برد.

۴-۴-۶. سرمایه اجتماعی

شاید سرمایه اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه اجتماع‌ساز تاب‌آور و پایدار بشمار رود. در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی، تعاریف متعدد و متکثری ارائه شده است. صرف‌نظر از وجوه افتراق تعاریف، به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی با هر تعریفی، باید سه مؤلفه شامل امید اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و مشارکت اجتماعی را دربر بگیرد. یعنی اگر سرمایه اجتماعی بالا باشد با ارتقاء امید اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و مشارکت اجتماعی، زمینه‌های همکاری و همیاری اجتماعی بالا رفته، و امکان‌های تاب‌آوری اجتماعی و پایدارسازی بلندمدت فراهم می‌شود. سرمایه اجتماعی دارای لایه‌ها و سطوح متعددی است که باید در هر سطح متناسب با آن اقدام به خط‌مشی‌گذاری انطباقی کرد.

۴-۴-۶-۱. تأثیر جریان‌های سیاسی

نحوه رقابت و بازی جریان‌های سیاسی و احزاب یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بین مردم و حکومت است. یکی از عوامل کاهنده سرمایه اجتماعی به‌ویژه در حوزه اعتماد مردم به مسئولین سیاسی کشور، افسانه‌سازی درباره فساد بوده است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که ما منکر وجود فساد در اقتصاد خام‌فروشی و بوروکراسی دولتی در ایران نیستیم، و معتقدیم که فساد هرچقدر هم کم باشد، خطرناک است و باید ریشه‌کن گردد. اما در سال‌های اخیر جریان‌های سیاسی به‌منظور حاشیه‌رانی رقیب و دست‌یابی به قدرت، درباره فساد داستان‌پردازی کردند. این افسانه‌سازی‌های موهومی هر چقدر بزرگ‌تر با اعداد و ارقام عجیب‌تر مبالغه می‌شود، در فضای اجتماعی باورپذیر می‌گردد. در این شرایط، ذهن مردم به دلیل فشارهای بیکاری، مشکلات اقتصادی و اجتماعی حوصله تحلیل و ریشه‌یابی مسئله‌ها را ندارد، و توپخانه قضاوت‌های حاضر و آماده رأی به محکومیت دیگران یعنی هرکسی به‌جز ما، بی‌وقفه مشغول به کار می‌شود. در این شرایط

اعتماد مردم به حکومت و مسئولین دچار خدشه می‌شود، و زمینه کاهش مشارکت اجتماعی بستر برای کاهش تاب‌آوری اجتماعی و بی‌ثباتی فراهم می‌سازد.

بنابراین خط‌مشی انطباقی عبارتست از اصلاح رقابت جریان‌های سیاسی با تأکید بر تقویت سرمایه اجتماعی. با بالا بردن شفافیت سیستم‌ها و نهادهای حاکمرانی، و تسهیل دسترسی به اطلاعات عموم می‌توان اعتماد اجتماعی را تقویت کرد.

۶-۴-۱-۲. شمول فراگیر

برای این که سیستم اجتماعی تاب آور شود، لازم است در مواقع مواجهه با شوک‌های ناگهانی، بتواند با سرعت از کل ظرفیت خود استفاده کند. این ظرفیت در ایران شامل شهروندان، نخبگان، جوانان، زنان، اقوام و مذاهب و... است. با توجه به این که جامعه ایرانی در سیر تاریخی همواره در پیچ‌ها و گردنه‌های مخاطرات و شوک‌ها، با اتکا بر این ظرفیت بالقوه توانسته است به حیات خود ادامه دهد، لذا برای مواجهه با عدم قطعیت‌ها و مخاطرات ناشناخته‌ی آینده، بازآفرینی محیط نهادی شامل قوانین، خط‌مشی‌ها، و توافقات راهبردی جدید انطباق‌پذیر برای بالفعل سازی ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها جامعه ایرانی اهمیت بالایی دارد. تقویت ظرفیت‌های زنان، جوانان، اقوام و گروه‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، موجب ظهور ظرفیت‌های جدید خواهد شد. بالا رفتن ظرفیت ملی موجب تاب‌مندی جامعه در مقابل مخاطرات و پیچیدگی‌های آینده و پایدارسازی بلندمدت خواهد شد.

۶-۴-۱-۳. رفع تبعیض و انسجام اجتماعی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه و تاب‌آوری اجتماعی، عدالت، انصاف، و رفع تبعیض‌های ناروا است. بی‌تردید، بی‌عدالتی، و بی‌انصافی و تبعیض از بزرگ‌ترین چالش‌های فرا روی انسجام اجتماعی، تاب‌آوری و پایداری بلندمدت محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد که در جامعه ایرانی، رفع تبعیض و حمایت از محرومان از مصداق‌های پیچیدگی مرکب است، که تأملی عمیق، چندبعدی، و بلندمدت می‌طلبد، در غیر این صورت خط‌مشی‌هایی که در کوتاه‌مدت به منظور حمایت از محرومان تدوین می‌شود، ناخواسته، در بلندمدت به ضد محرومان تبدیل شده و باعث از بین رفتن طبقات متوسط و وخیم شدن وضعیت محرومان می‌شود.

یک مسئله مهم دیگر در خط‌مشی گذاری‌های انطباقی، تفکیک محرومان صدادار از محرومان

خاموش است. محرومان صدادار، آن دسته از محرومان هستند که می‌توانند صدای خود را به گوش مسئولین برسانند. آن‌ها قادر هستند از ابزارهای گوناگون عاطفی، اجتماعی، سیاسی، و... برای مطالبه‌گری و حق‌خواهی خود استفاده کنند. معمولاً سیاست‌گذاران و احزاب سیاسی در پاسخ به فشار این دسته از محرومان اقدام به سیاست‌های حمایتی می‌ورزند. چراکه صدای این دسته از محرومان دارای قدرت و طنین بوده، و نقش کلیدی در بالا رفتن آراء دارد. محرومان صدادار ممکن است در کلان‌شهرها و مناطقی باشند که به مسئولین دسترسی داشته باشند. در حقیقت، تمام کسانی که ابزار مطالبه‌گری و پیگیری حقوق خود را دارند، در زمره محرومان صدادار قرار می‌گیرند. مثلاً پیش‌خدمتی که در بانک مرکزی یا یک وزارت خانه در تهران کار می‌کند و در معرض دید مسئولین قرار می‌گیرد. اگر سیاست‌گذاران برای رفع محرومیت و تبعیض فقط بر این دسته از محرومان " در مقابل دیدگان "تمرکز کنند، و از محرومان خاموش غفلت ورزند، این خط‌مشی در بلندمدت نمی‌تواند به‌طور اثربخش و واقعی تبعیض و بی‌عدالتی را ریشه‌کن کند. دسته‌ای از محرومان ممکن است وضعیت معیشت آن‌ها از دسته محرومان صدادار، وخیم‌تر باشند، اما به دلیل نداشتن ابزارهای دسترسی به مسئولین خاموش و بی‌صدا است. مثلاً کارگران فصلی کشاورزی در روستاهای دورافتاده که فاقد بیمه و... هستند. و یا کسانی که به دلایل ناخواسته و ناگهانی بر اثر سوانح و تصادفات و یا ورشکستگی مالی، در کنار مجرمان و خلاف‌کاران حرفه‌ای مجبور به تحمل شرایط وضعیت اسفباری می‌شوند. به‌منظور تاب‌مندی کردن جامعه ایرانی، باید با هوشمندی و مراقبت، خط‌مشی‌گذاری‌های انطباقی برای رفع محرومیت و تبعیض برای هر دو دسته از محرومان در نظر گرفت. گاهی آنچه که مانع رسیدن صدای محروم خاموش به مسئولین می‌شود بعد مکان و مسافت نیست، بلکه برچسب معنایی مانند بدنامی و... است که بر این دسته از محرومان حاشیه‌نشین اطلاق می‌شود. یعنی جماعتی از محرومان علاوه بر موانع عینی، در حصارهای معنایی نیز محبوس می‌شوند و این حصارهای معنایی مانع شنیده شدن صدای آن‌ها می‌شود. تدوین شاخص‌های تشخیص درجات خاموشی محرومان، قابلیت هوشمندی را در خط‌مشی‌گذاری‌های انطباقی را برای افزایش مشارکت اجتماعی و بهره‌گیری از همه ظرفیت جامعه بالا می‌برد.

۴-۱-۴-۶. توازن بخشی بین شفافیت و رازداری

یکی از مؤلفه‌های مهم تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی شفافیت و یا رازداری است. یعنی شفافیت

از آنجایی که با سلامت سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی سروکار دارد، و چون رازداری با حفظ حقوق مشروع مردم سروکار دارد، هر دو اصل، در حالت متوازن، می‌تواند سرمایه اجتماعی را افزایش دهد. یعنی در مورد شفافیت هم نباید دچار ساده‌انگاری شد. در یک سیستم اجتماعی تاب‌مند، شفافیت و رازداری دو وجه یک واقعیت بوده و باید باهم مورد توجه قرار گرفته شوند.

در راستای خط‌مشی گذاری انطباقی، باید اصل شفافیت در حوزه‌ها تا جاهایی پیگیری شود که جریان‌های نامشروع اقتصادی و اجتماعی را آشکار سازد تا مردم احساس کنند که قانون و عدالت حاکمیت دارد. همچنین اجرای درست اصل رازداری به منظور حفاظت از حقوق مشروع شهروندان نیز باعث افزایش اعتماد مردم به نهادها می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

جامعه ایرانی اسلامی، یکی از مدعیان اصلی تمدن نوین است. این جامعه در برهه‌ای که مدرنیته همه عالم را فتح کرده بود، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند، و حکومت اسلامی را شکل داد، و حالا یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تمدن نوین اسلامی بشمار می‌رود. اما تمدن به‌مثابه امری اجتماعی - تاریخی در بستر جامعه پایدار بلندمدت امکان تکوین و ظهور پیدا می‌کند. از این منظر، تاب‌آوری به‌عنوان رویکردی کلیدی برای پایدارسازی بلندمدت مطرح می‌شود. یعنی تاب‌آوری سازی جامعه، زمینه را برای پایدارسازی بلندمدت، و پایدارسازی بلندمدت بستر را برای ظهور یا اعتلا و بالندگی تمدنی فراهم می‌سازد.

در این تحقیق، بر اساس نظرات خبرگان، و دسته‌بندی مخاطرات و شوک‌های ناشی از عدم قطعیت‌های آینده، برای تاب‌مند سازی جامعه ایرانی، چهار زیرسیستم شامل زیرساخت‌ها، سیاسی- حکمرانی، اقتصاد، و اجتماعی - فرهنگی برای خط‌مشی گذاری‌های انطباقی انتخاب شده است.

این تحقیق نشان می‌دهد که مخاطرات راهبردی که پایداری و ثبات جامعه ایرانی در معرض آسیب قرار می‌دهد، و بستر و زمینه را برای ظهور تمدن نوین ناممکن می‌سازد، از دو منشأ بیرونی و درونی سرچشمه می‌گیرند. منشأ بیرونی مثل تهدیدهای خارجی که ملموس و قابل مشاهده است. اما منشأ درونی مخاطرات از پیچیدگی مرکب برخوردار است و به‌آسانی قابل فهم نیست. بسیاری از خط‌مشی‌های با خیرخواهی‌های کوتاه‌مدت، ممکن است در بلندمدت منشأ شکل‌گیری مخاطرات بینان برافکن شده، و تمدن را بر باد دهد.

در حوزه زیرساخت‌ها، برای واکنش مناسب با شوک‌های ناشناخته آینده و بازیابی سریع پس از تأثیرپذیری، تبدیل راهبردی خام فروشی به ارزش‌آفرینی، ترویج گفت‌وگو عدالت بین نسلی در مورد منابع بین نسلی، تعادل بخشی و متوازن‌سازی بین مصرف انرژی در زمان حال و ظرفیت‌سازی و ذخیره‌سازی راهبردی برای مقابله با شوک‌های آینده، توسعه شهری در پیوند با زمین (طبیعت و بوم) و زمینه (تاریخ و فرهنگ)، و همچنین توسعه شهری در مناطق بکر مثل سواحل مکران به‌منظور شکوفایی و آزادسازی قابلیت‌های بالقوه داخلی، تعادل بخشی بین حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی، و توسعه حمل‌ونقل ریلی، و تدوین و پایش شاخص‌هایی برای مراقبت از قابلیت طبیعی موردتوجه قرار گرفته شده است.

در حوزه زیرسیستم سیاسی و حکمرانی، خط‌مشی اصلاح قواعد کسب قدرت سیاسی (انتخابات)، ایجاد حافظه نهادی بلندمدت، حکمرانی چند سطحی، حکمرانی مشارکتی مطرح شده است.

در حوزه اقتصاد، تعادل بخشی بین بخش دولتی و بخش خصوصی، تاب‌مندسازی بخش پولی و بانکی کشور، تاب‌مندسازی واردات و صادرات، تعادل بخشی بین خدمات دولتی و مالیات‌ها، و ایجاد ظرفیت‌هایی برای بازیابی پس از شوک بیان شده است.

در حوزه اجتماعی و فرهنگی، خط‌مشی‌های ارتقاء سرمایه اجتماعی از طریق خط‌مشی اصلاح رقابت جریان‌های سیاسی، اصل شمول و فراگیری، رفع تبعیض و انسجام اجتماعی، توازن بخشی بین اصل شفافیت و اصل رازداری به‌منظور افزایش سرمایه اجتماعی، و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های جامعه برای مواجهه با مخاطرات ناشی از عدم قطعیت‌های ناشناخته آینده پیشنهاد شده است.

منابع

۱. ابن خلدون (۱۳۶۶)، مقدمه، تهران، علمی و فرهنگی.
۲. پارسامهر، تقی؛ قاسمی، حاکم و پوعزت، علی اصغر، (۱۳۹۶)، تحلیل گفت‌وگو تمدن و ترسیم سناریوهای آینده تمدنی، مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی، جلد پنجم، شرکت چاپ و انتشارات.
۳. پیغامی، عادل و منصوری، سمانه، (۱۳۹۵)، برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تاب‌آور، دلالت‌های راهبردی و اعتباربخشی یک مدل ترکیبی برای اقتصاد مقاومتی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

۴. توین بی ، آرنولد،(۱۳۷۶) ، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیر کبیر.
۵. خزایی، حسین و عیوضی، الهه،(۱۳۹۶) ، مبانی آینده پژوهی تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی، جلد پنجم، شرکت چاپ و انتشارات .
۶. دورانت، ویل،(۱۳۵۶) ، تاریخ تمدن، تهران، بی تا.
۷. روح‌الامینی، محمود،(۱۳۷۷) ، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، مهدی.
۸. شریعتی، علی،(۱۳۵۹)، تاریخ تمدن، تهران، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.
۹. لوکاس، هنری،(۱۳۶۶) ، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذر، تهران، کیهان.
۱۰. هانتینگتون، ساموئل،(۱۳۷۸) ، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
11. Anderies, J. M., Janssen, M. A., & Ostrom, E. (2004). A framework to analyze the robustness of social-ecological systems from an institutional perspective. *Ecology and Society*, 9(1), 18.
12. Berkes, F., & Folke, C. (Eds.). (1998). *Linking social and ecological systems: Management practices and social mechanisms for building resilience*. New York: Cambridge University Press.
13. Laclau, E. and Moufe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: towards a radical democratic politics*. Verso, London.
14. Hall, R. (2014) Adaptive governance policy for Societal Resilience and community Empowerment. *Journal of US-china Public Administration*, DAVID Publishing.
15. Q, Bernier. R, Meinzen-Dick (2014) Resilience and social capital. IFPRI.
16. Aldrich, D P. Meyer, M (2014) Social Capital and Community Resilience. *American Behavioral Scientist*. SAGE.
17. Gylfason, Thorvaldur; Holmströmm, Bengt; Korkman, Sixten; Söderström, Hans Tson & Vihriälä, Vesa (2010), *Nordics in Global Crisis Vulnerability*.
18. Hallegatte, Stephane (2014), "Economic Resilience Definition and Measurement", The World Bank, Climate Change Group, Office of the Chief Economist.

19. Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual Review of Ecology and Systematics*.
20. Holling, C. S. (1986). The resilience of terrestrial ecosystems: Local surprise and global change. In W. C. Clark and R. E. Munn (Eds.), *Sustainable development of the biosphere* (pp. 292-317). London: Cambridge University Press.
21. Brock, W. A., Mäler, K.-G., & Perrings, C. (2002). Resilience and sustainability: The economic analysis of nonlinear systems. In L. H. Gunderson and C. S. Holling (Eds.), *Panarchy: Understanding transformations in systems of humans and nature*. Washington, D.C.: Island Press.
22. Perrings, C. A. (2006). Resilience and sustainable development. *Environment and Development Economics*.
23. North, D. (1996). Empirical studies in institutional change. L. Alston and T. Eggertsson, (Eds.). Cambridge: Cambridge University Press.
24. Berkes, F., & Folke, C. (2002). Back to the future: Ecosystem dynamics and local knowledge. In L. H. Gunderson and C. S.
25. Ostrom, E. (2009). A general framework for analyzing sustainability of social-ecological systems. *Science*, 325(5939), 419-422.

